

## بررسی اثر رویکرد استقلال طلبی جمهوری اسلامی ایران بر حق بر صلح شهروندان<sup>۱</sup>

حیدر مطلب فائد<sup>۲</sup>

احمدرضا سلیمان زاده<sup>۳</sup>

حسین رستم زاد<sup>۴</sup>

### چکیده

یکی از ضرورت‌های یک زندگی عادی در جامعه، صلح و ثبات بوده که وظیفه‌ی تأمین آن بر عهده‌ی حکومت قرار دارد. جمهوری اسلامی ایران بر پایه نظام ولایت فقیه، رویکرد خاصی در خصوص استقلال طلبی پیش گرفت که عموماً مورد انتقاد بوده است. این پژوهش به روش اسنادی-تحلیلی-توصیفی درصدد پاسخ به این سؤال بوده که اثر اتخاذ رویکرد استقلال طلبی جمهوری اسلامی ایران بر حق بر صلح شهروندان چیست. چنین نتیجه شد که جمهوری اسلامی ایران، بر پایه‌ی دکترین ولایت فقیه به پیروی از حقوق بشر اسلامی، حق بر صلح را برای شهروندان فراهم کرده که تنها به امنیت داخلی شهروندان به واسطه‌ی جرم‌زایی چند سال اخیر انتقادهایی وارد است. تقویت قوای نظامی و امنیتی، سیاست‌های فرهنگی صحیح جهت پیوند اقوام و مذاهب کشور، تمرکز قدرت در حاکمیت، عدم اتکا به بیگانگان و مشارکت سیاسی در چارچوب دکترین ولایت فقیه؛ در نهایت ارکان چهارگانه حق بر صلح را برای شهروندان ایرانی فراهم کرده است. در قیاس با برخی کشورها که رویه نزدیکی به غرب و تنش‌زدایی با آنها را در پیش گرفته‌اند؛ مشخص شد که در وضعیتی که بدون لحاظ قاعده فقهی «نفی فی سبیل»، پای بیگانگان به کشور باز گردد، به طرق مختلف که در رأس آن درگیری‌های مذهبی و فرقه‌ای هست، امنیت آن کشورها خدشه‌دار خواهد شد.

واژگان کلیدی: صلح، حقوق بشر، استقلال طلبی، فقه اسلامی، امنیت.

۱. برگرفته از رساله دکتری

۲. دانشجوی مقطع دکتری، حقوق بین الملل، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.  
haeidarmotalleb@gmail.com

۳. استادیار، حقوق بین الملل، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول)  
darsoleimanzad@gmail.com

۴. استادیار، حقوق بین الملل، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

یکی از ضروریات زندگی هر انسان، امنیت است. در سایه‌ی امنیت می‌توان برای دیگر مسائل زندگی برنامه‌ریزی نمود. دغدغه دولتمردان، تأمین امنیت برای شهروندان می‌باشد. عامل برهم‌زننده امنیت، جنگ است که می‌تواند در صحنه داخلی و یا خارجی در جریان باشد. نقطه‌ی مقابل جنگ نیز صلح می‌باشد. در سایه رفع مشکلات با معاندین، انگیزه برهم‌زندگی امنیت، خودبه‌خود از بین خواهد رفت. لذا در سایه‌ی صلح است که امنیت برقرار بوده و زندگی روزمره شهروندان بدون مشکل خواهد بود. اما برخی در تفسیر واژه‌ی صلح، آن را با سازش یکسان دانسته و چنین فرض کرده که با تسلیم شدن در مقابل قدرت‌ها، می‌توان به صلح و امنیت دست یافت. غافل از این‌که توافق با دشمنان در زمانی که جایگاه قدرت بالاتری دارند، موجب تسلط آنان بر کشور شده که این مهم خود عامل برهم‌زننده امنیت است. در اینجا تقابل الگوهای «حقوق بشر غربی» و «اسلامی-ایرانی» در خصوص صلح نمایان می‌شود.

تسا پیش از آنکه جمهوری اسلامی ایران حق بر صلح را در قالب حقوق بشر اسلامی در سیاست‌های خود منعکس نماید، کمتر کسی به کارآمدی این سیاست امید داشت و چنین مفهومی از صلح برای جهانیان ناشناخته بود. اما پس از گذشت چند دهه، کارآمدی این سیاست به همگان نشان داده شد و بنابراین نیاز است که اجزای این سیاست از دیدگاه حقوقی بررسی شود. قاعده فقهی «نفی فی سبیل» در ارکان سیاست کلی نظام جای داشته و جمهوری اسلامی ایران ضمن احترام کامل به حق حاکمیت کشورها، سیاست خارجی خود را بر پایه نفی هرگونه سلطه قرار داده است. اقدامات پیشگیرانه بروز ناامنی نیز در دکتین جمهوری اسلامی ایران قابل مشاهده است. در این پژوهش ابتدا قیاسی بین دو رویکرد مذکور انجام شده و سپس با معرفی اجزای حق بر صلح، آثار اتخاذ این سیاست‌ها بر حق بر صلح شهروندان بررسی گردیده است.

## ۲. سؤالات و اهداف پژوهش

اتخاذ سیاست‌های استقلال‌طلبی (بر پایه دکترین ولایت فقیه) و قانونگذاری‌های مربوط به آن، بر حق بر صلح به عنوان حقوق بشر نسل سوم چه آثاری دارد، سؤال پژوهش بوده که محقق درصدد پاسخگویی به آن می‌باشد. هدف پژوهش آن است که ضمن واکاوی دو الگوی سیاست‌گذاری مذکور (اسلامی و غربی)، آثار آن‌ها را بر حق بر صلح که جزئی از نسل سوم

حقوق بشر می‌باشد، بررسی نماید. بنابراین اشاره جزئی نظام‌های سیاسی چند کشور جهت مقایسه آثار اتخاذ سیاست‌های مذکور در ارکان این تحقیق جای دارد.

### ۳. پیشینه پژوهش

طلایی و پورسعید (۱۳۹۲)، به تقابل حقوق بشر و صلح بر یکدیگر پرداخته و به جدایی مفهوم سازش و صلح نیز اشاره کردند. امینی‌نیا (۱۳۸۹)، به جایگاه حق بر صلح در منشور ملل متحد با نگاهی به عملکرد شورای امنیت اشاره کرد. داستافکان<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۰)، به تفاوت مفهوم صلح در اسلام با حقوق بشر غربی اشاره کردند. کارپنر<sup>۲</sup> و تیکارا<sup>۳</sup> (۲۰۲۰)، بیان کردند که در اکثر موارد که یک حکومت سیاست استقلال طلبی درپیش گرفته، امنیت مردم خدشه دار شده و نمونه آن حکومت طالبان است. اما جمهوری اسلامی ایران توانسته که با سیاست حفظ استقلال، امنیت مردم را نیز تأمین نماید. ویلدر<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۲۰)، صلح طلبی را روزه نفوذ تحت روابط دیپلماتیک دانسته و در عین حال، استقلال طلبی را به دلیل تنش‌زایی عامل محل امنیت معرفی کردند. موسکنز<sup>۵</sup> (۲۰۲۰) تأمین صلح را تنها وابسته به قدرت حکومت ندانست، بلکه نیاز است که با قانونگذاری صحیح، مانع از بروز مشکلات داخلی شد.

تحقیقات مذکور، تنها به تفاوت مفهوم صلح اشاره کرده و هیچ یک در خصوص تفاوت دیدگاه‌های حقوق بشر غربی و اسلامی در خصوص مفهوم صلح مطلبی بیان نکرده‌اند. تنها این نکته مشترک بوده که حق بر صلح، جزئی از نسل سوم حقوق بشر بوده و می‌بایست به هر طریق ممکن برای شهروندان تأمین شود. نوآوری تحقیق کنونی مقایسه حق بر صلح در چند کشور با نظام‌های سیاسی متفاوت بوده که تقابل نظریات دو نوع حقوق بشر را نشان می‌دهد.

1. Dastafkan
2. Carpenter
3. Tsykarev
4. Wilder
5. Muyskens

#### ۴. ملاحظات مفهومی و نظری

در این قسمت چارچوب مفهومی پژوهش شامل شرحی در خصوص «الگوی سیاست خارجی» و «حق بر صلح» بیان شده است.

##### ۴-۱. حق بر صلح

صلح در لغت به معنای آشتی و سازش (دهخدا، ۱۳۹۶: ۵۴)، سازش و آرامش (معین، ۱۳۹۶: ۱۴۲) و سلامت و صفا (عمید، ۱۳۹۶: ۳۲۱) آمده است. در معنای اصطلاحی، صلح متضاد کلمه جنگ است. بدین معنا که اگر در یک جامعه جنگ وجود نداشته باشد، صلح حاکم است (پروین و تجلی، ۱۳۹۵: ۵۸). به نظر می‌رسد که معنی آرامش که در فرهنگ لغت معین ذکر شده است، نزدیکی بیشتری به معنای صلح دارد. در مواردی که پایان منازعات با توافق انجام می‌شود، آن قرارداد را پیمان صلح می‌نامند. اما اگر در حالت عادی، جامعه‌ای در وضعیت صلح خوانده شود به معنای وضعیت آرامش و بدون جنگ است. منظور از حق بر صلح آن است که شهروندان هر کشور حق زندگی در آرامش و بدون جنگ را دارند.

ایجاد یک صلح پایدار در کره زمین، شرط اولیه برای حفظ تمدن و ابقاء بشر می‌باشد و حفظ زندگی مسالمت‌آمیز وظیفه‌ی مقدس هر دولتی است و همه‌ی مردم سیاره‌ی زمین یک حق مقدس به صلح دارند و هر دولتی تعهد اساسی بر صلح و ارتقای اجرای آن دارد. بدیهی است که تضمین اعمال حق مردم بر صلح مستلزم این است که سیاست‌های دولت‌ها، باید به سمت از ازاله هرگونه تهدیدی علیه صلح، به خصوص سلاح‌های کشتار جمعی، هرگونه استفاده از زور در روابط بین‌الملل، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی براساس منشور ملل متحد، مهم‌تر از همه تأکید بر تحقق، حقوق و آزادی‌های اساسی همه افراد بشر مصرح در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر باشد (کوفونه<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۰: ۸۰).

##### ۴-۱-۱. اهمیت صلح در نظام بین‌المللی

صلح و امنیت بین‌المللی یک شرط اساسی (پیش شرط) برای برخورداری از حقوق بشر، و از همه مهم‌تر حق حیات، می‌باشد. در واقع حق بشر در برخورداری از صلح، امنیت و عدم

تعارض یک حق بنیادین در چهارچوب تحقق تمامی حقوق بشر قرار می‌گیرد. جنگ و خشونت منجر به انکار سامانمند حقوق مدنی و سیاسی، و نیز حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌گردد (حسینی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۱: ۲۸۰). از آنجایی که در صورت وقوع جنگ و تعرض مسلحانه، درصد قابل توجهی از منابع مالی موجود برای تهیه تسلیحات و تدارک برای جنگ صرف می‌شوند باید توجه داشت که حق بشر در برخورداری از صلح به طور تنگاتنگی به تمام دیگر حقوق بشر ارتباط دارد (پروین و تجلی، ۱۳۹۷: ۵۸). حقوقی که جهانی، غیر قابل تفکیک (جدایی ناپذیر)، مرتبط با یکدیگر و وابسته به یکدیگر می‌باشند. در همین رابطه این پرسش مطرح می‌گردد که به طور عمده چه حقوق بشری می‌باشند که در صورت وقوع تعارضات (ملی و بین‌المللی) و یا به عبارت دیگر در نبود صلح و امنیت ملی و بین‌المللی نقض شده و یا به آن‌ها آسیب وارد می‌گردد (امینی نیا، ۱۳۸۹: ۱۳۹).

هرچند می‌توان نشانه‌هایی از ارتباط میان صلح و حقوق بشر را در اسناد قدیمی تری همچون میثاق جامعه ملل پیدا نمود، با پذیرش منشور سازمان ملل متحد (۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ میلادی) این ارتباط را می‌توان به روشنی بیشتر و گسترده‌تر مشاهده نمود. در واقع اصول «حل و فصل اختلافات بین‌المللی میان دولت‌ها از طریق شیوه‌های مسالمت‌آمیز»، «منع استفاده از تهدید و یا زور بر ضد تمامیت سرزمینی و یا استقلال سیاسی هر دولتی»؛ و «اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها» که در ماده ۲ (بندهای ۳، ۴، و ۷) منشور سازمان ملل متحد درج شده‌اند، می‌توانند در راستای تقویت صلح و تأثیر مثبت آن‌ها بر تحقق حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین در نظر گرفته شوند (اولاندا، ۲۰۲۰: ۵۹).

در همین راستا در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز پذیرفته می‌شود که در ماده ۲۸ این اعلامیه چنین بیان می‌گردد. هر کس از این حق برخوردار است که از نظم اجتماعی و بین‌المللی برخوردار باشد، به گونه‌ای که حقوق و آزادی‌های درج‌شده در این اعلامیه به طور کامل می‌توانند تحقق پیدا نمایند. مفهوم این ماده می‌تواند در راستای ضرورت وجود صلح و آرامش برای تحقق کامل حقوق بشر تجزیه و تحلیل شود.

همچنین در مقدمه اعلامیه ۱۳ مه ۱۹۶۸ میلادی کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر در اعلامیه

1. Hosseini
2. Avellaneda

تهران آمده است، کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت می‌شناسد که صلح یک آرمان جهانی بشر است و اینکه صلح و عدالت برای تحقق کامل حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین ضروری و اساسی هستند. بند ۱۹ اعلامیه تهران نیز در خصوص خلع سلاح و تأثیر آن بر بهبود حقوق بشر بیان می‌نماید که، «خلع سلاح موجب آزادسازی منابع انسانی و مادی گسترده‌ای می‌گردد که در حال حاضر برای اهداف نظامی اختصاص داده شده‌اند. این منابع بایستی برای ترویج حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین به کار برده شوند. خلع سلاح کلی و عمومی یکی از آرمان‌های عالی همه مردم می‌باشد» (علیخانی، ۱۳۹۷: ۲۳۶).

علاوه بر اسناد ذکرشده در فوق، اسناد مربوطه دیگری نیز در دهه‌های اخیر در سطح بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. در واقع در دهه‌های اخیر، نهادهای گوناگونی در سطح بین‌المللی کوشش نموده‌اند تا با پذیرش اسنادی در زمینه تأثیر صلح بر حقوق بشر زمینه تقویت صلح و امنیت بین‌المللی را برای بهبود حقوق بشر در سطح جهان فراهم نمایند. در ضمن در کنار این کوشش‌ها، تلاش‌های جدیدی نیز صورت گرفته‌اند تا در قالب نسل سوم حقوق بشر، حق مستقلی به نام «حق برخورداری بشر از صلح» که به‌عنوان بنیادی‌ترین حقوق بشر که تحقق دیگر حقوق بشر وابسته به وجود آن می‌باشند پذیرفته شده و به رسمیت شناخته شود.

یکی از قطعنامه‌های مهم مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ارتباط با تأثیر صلح بر حقوق بشر و حق برخورداری از صلح، قطعنامه مربوط به «اعلامیه راجع به آماده‌سازی جوامع برای صلح (۱۵ دسامبر ۱۹۷۸)» می‌باشد. در مقدمه این اعلامیه «حق افراد، دولت‌ها و همه بشریت برای زندگی در صلح» مورد تأیید قرار گرفته و مطابق با اساسنامه سازمان آموزشی علمی و فرهنگی ملل متحد تأکید می‌گردد که از آنجایی که جنگ‌ها در فکرها و ذهن‌های بشر شکل می‌گیرند، دفاع از صلح نیز بایستی در فکرها و ذهن‌های بشر شکل بگیرد. در ضمن در این مقدمه نیز به رسمیت شناخته می‌شود که «صلح میان ملت‌ها یک ارزش برجسته بشریت می‌باشد». در بند ۱ این اعلامیه به زندگی در صلح به‌عنوان یک حق ذاتی یاد می‌شود. این بند بیان می‌دارد که هر ملتی و هر بشری، صرف‌نظر از نژاد، طرز فکر، زبان و یا جنس، از حق ذاتی برای زندگی در صلح برخوردار است. احترام به این حق و همچنین حقوق دیگر بشر، در جهت نفع مشترک تمام بشریت بوده و یک شرط اساسی برای پیشرفت همه ملت‌ها، بزرگ و کوچک، در همه زمینه‌ها می‌باشد. در بند ۲ قسمت سوم این اعلامیه نیز مقرر می‌گردد که، لازمه اجرای اصول درج‌شده

در اعلامیه حاضر اقدام جدی از سوی دولت‌ها، سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی آن و به‌ویژه سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌المللی و ملی علاقه‌مند، چه دولتی و چه غیردولتی، می‌باشد (حسینی و همکاران، ۲۰۲۱: ۲۸۲).

یکی دیگر از قطعنامه‌های مهم مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ارتباط با تأثیر صلح بر حقوق بشر و حق برخورداری از صلح «اعلامیه حق مردمان نسبت به صلح (۱۲ نوامبر ۱۹۸۴)» می‌باشد. در مقدمه این اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد زندگی بدون جنگ را یک پیش‌شرط اولیه بین‌المللی برای رفاه مادی، توسعه و پیشرفت کشورها، و تحقق کامل حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر، و نیز برقراری یک صلح پایدار بر روی کره زمین را در عصر هسته‌ای یک شرط اولیه برای حفظ تمدن بشری و بقای بشر در نظر می‌گیرد. این مقدمه همچنین «حفظ یک زندگی صلح‌آمیز برای مردم را به‌عنوان یک وظیفه مقدس برای هر دولتی به رسمیت می‌شناسد». در بند ۱ این اعلامیه به‌طور قاطع اعلام می‌گردد: «مردم سیاره ما از یک حق مقدس نسبت به صلح برخوردار می‌باشند» و در بند ۲ نیز بر این نکته تأکید می‌شود که حفظ حق مردم نسبت به صلح و ترویج اجرای آن یک تعهد بنیادین را برای هر دولتی تشکیل می‌دهد. بند ۳ اعلامیه نیز به اقداماتی که دولت‌ها لازم است در جهت تحقق بخشیدن به حق مردم نسبت به صلح اتخاذ نمایند اشاره نموده و تأکید می‌نماید: «لازمه اطمینان از اجرای حق مردم نسبت به صلح آن است که سیاست‌های دولت‌ها در جهت محو تهدید به جنگ، به‌ویژه جنگ هسته‌ای، منع استفاده از زور در روابط بین‌الملل، و حل و فصل اختلافات بین‌المللی از طریق راه‌های مسالمت‌آمیز بر اساس منشور سازمان ملل متحد باشد».

#### ۴-۱-۲. اجزای حق بر صلح

در خصوص حق بر صلح، تعاریف مختلفی بیان‌شده و مسائل مشترک در کتب حقوقی مختلف در خصوص تعریف حق بر صلح، به‌صورت چهار رکن ارائه شده است: الف - نداشتن وضعیت جنگی داخلی یا خارجی کشور، ب - نداشتن نزاع بین قبایل مختلف داخل کشور، ج - تمرکز قدرت نزد دولت و تأمین امنیت داخلی و د - جایگاه بازدارندگی مناسب حکومت در سطح جهان (زگلر<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۲۵).

## ۴-۲. الگوهای استقلال و همکاری با غرب

با سقوط نظام شاهنشاهی در ایران، دیدگاه ابرقدرت‌های شرق و غرب به سیاست اتخاذی حکومت جدید بود. در آن زمان جنگ سرد هنوز ادامه داشت و تغییر رویکرد یک کشور بزرگ و نسبتاً قدرتمند آن زمان اهمیت خاصی برای طرفین جنگ داشت. در آن زمان شعار «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی» به گوش رسید. این شعار به معنای آن است که جمهوری اسلامی ایران قصد ورود به هیچ منازعه سیاسی در جهان را ندارد. بنابراین، می‌توان بیان داشت که جمهوری اسلامی ایران سیاست مستقلی را برای خود برگزید (سریع القلم، ۱۳۸۸: ۲۵). دکتترین ولایت فقیه، بحث نظارت قواعد فقهی بر امورات کشور را مطرح ساخت. قاعده‌ی معروف فقهی «نفی فی سبیل» به معنای آن بود که هیچ‌گاه نباید بیگانگان بر منابع حیاتی کشورمان مسلط شوند. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران سیاست خود را نخست بر عدم دخالت در منازعات سیاسی قرار داد (میثمی و صفری، ۱۳۹۷: ۱۱۵). در مرحله‌ی دوم، جمهوری اسلامی ایران برحسب دکتترین حمایت سعی در حمایت از مظلومان مسلمان داشت. البته دکتترین حمایت حسب قواعد اسلامی با مسئولیت حمایت که در حقوق بین‌الملل بیان شده تفاوت دارد. مسئولیت حمایت در حقوق بشر غربی به معنای آن است که هر جا منافع دولت‌ها ایجاب نماید می‌بایست در امور کشورهای دیگر دخالت نمایند. اما جمهوری اسلامی بر اساس دکتترین خود حمایت از مسلمانان را در پیش گرفت (دهقانی فیروزآبادی و سلیمانی، ۱۳۹۷: ۷۰). پس از جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، جمهوری اسلامی سیاست‌های پیشگیرانه خود را در دستور کار قرار داد، با این امید که هیچ کشوری به خود جرأت تجاوز نظامی به ایران را ندهد. نفی سلطه در دکتترین ولایت فقیه جایگاهی ویژه داشته و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر این مبنا استوار شده که روابط خارجی نباید روزنه‌ای برای نفوذ بیگانگان در کشور باشد (واعظی، ۱۳۹۳: ۴۵). باوجود انتقادهای مکرر غربی‌ها، سیاست تقویت قوای نظامی و امنیتی در سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت که امروزه زبانزد جهانیان می‌باشد. ماحصل بحث این‌که جمهوری اسلامی ایران الگویی براساس حفظ احترام، نفی سلطه، مقابله بانفوذ و بازدارندگی نظامی در پیش گرفت که در جای خود موافقان و مخالفانی دارد.

باتوجه به هزینه‌های سرسام‌آور توسعه‌ای در کشورها، این ایده مطرح بوده که می‌توان با صادرات استعدادهای خود، برای توسعه کشور سرمایه خارجی جذب کرده و نیازهای خود



را با اصول دیپلماتیک به دست آورد. این سیاست مستلزم رابطه نزدیک با کشورهای قدرتمند است. چراکه این کشورها تولیدکننده مایحتاج کشورهای مذکور بوده و از طرف دیگر به برخی استعدادها و آن‌ها به شدت نیاز دارند (آقایی<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱: ۱۹۰). همچنین سرمایه لازم برای برخی توسعه‌ها را در اختیار داشته و در نهایت اینکه رابطه نزدیک با این کشورها در مدت زمان کم می‌تواند به توسعه اقتصادی کشورهای جهان سوم برسد. اما منافع خاص ابرقدرت‌ها ایجاب کرده که در راستای حفظ آن در امور این کشورها دخالت نمایند (ایوب<sup>۲</sup> و لوسیر<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰: ۴۵). این دخالت‌ها می‌تواند زمینه‌ساز خدشه به «حق بر صلح» شهروندان شود. این سیاست نیز مخالفان و موافقانی دارد.

#### ۳-۴. سیاست‌های حکومتی و حق بر صلح

برخی عقیده دارند که حق بر صلح با اقتدار حکومت قابل تحقق است، اما ناامنی‌های مختلف ایالات متحده آمریکا این عقیده را زیر سؤال می‌برد (قرل بیگلو و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۵). در قسمت پیشین که اجزای حق بر صلح معرفی شدند، مشخص است که رکن اول، سوم و چهارم با اقتدار قدرت نظامی یک حکومت قابل تأمین است. طبیعتاً یک حکومت قدرتمند، قدرت بازدارندگی دارد (رکن چهارم حق بر صلح). از طرف دیگر، اقتدار موجب خواهد شد که قدرت‌های غیرحکومتی تضعیف شوند (رکن سوم حق بر صلح) و در نهایت این که جنگ‌های خارجی و داخلی برای آن‌ها محتمل نیست (رکن اول). اما جزء دیگر رکن اول و همچنین رکن دوم حق بر صلح تنها با قدرت حکومت قابل تأمین نیست. در سیاست‌های کلان یک کشور، فقط افزایش قدرت جای ندارد. بلکه با سیاست‌های فرهنگی، تقنینی و تعیین قدرت بر ثبات داخلی مؤثر است (میشمی و صفری، ۱۳۹۷: ۲۱۲). بنابراین، قدرت نظامی یک حکومت برای تأمین تمامی ارکان حق بر صلح، شرط لازم و نه کافی است. در کشور ما تمامی اقوام، گروه‌های سیاسی و شخصیت‌ها تحت چارچوب نظام ولایت فقیه قرار دارند. این مهم از دیدگاه دموکراسی غربی مورد انتقاد بوده و حسب اصول آن، می‌بایست هر فرد آزادی کامل داشته باشد. اما دکتورین جمهوری

1. Aghaie
2. Ayooob
3. Lussier

اسلامی بیان می‌دارد که آزادی به معنای آن نیست که هر کس هر کاری که خواست انجام دهد و در این صورت در جامعه هر چه و مرجع ایجاد می‌شود. بنابراین، آزادی‌ها می‌بایست در چارچوب قانون قرار گرفته و بدین صورت قدرت سرکش اختلافات تا حد زیادی فروکش نموده است. پس، می‌توان بیان داشت که برای تأمین حق بر صلح شهروندان، نباید تنها به مسئله‌ی قدرت نظامی تأکید نمود و در چارچوب سیاست‌های کلان هر کشور، می‌بایست اقدامات فرهنگی و تقنینی برای تمرکز قدرت انجام شد تا ارکان اول تا سوم حق بر صلح تأمین شود.

#### ۴-۳-۱. بی‌توجهی به امنیت

به عقیده اکثر سیاست‌مداران، موفقیت اقتصادی عاملی در جهت فراموشی ضرورت امنیت است (زره داران، ۱۳۹۷: ۲۱۴). ژاپن و آلمان دو کشور شکست‌خورده در جنگ جهانی دوم با حمایت غرب روزهای بازسازی را گذرانده و امروزه جزء صنعتی‌ترین کشورهای جهان هستند. اما قانون اساسی ژاپن هنوز هم اجازه داشتن ارتش به این کشور را نمی‌دهد (بالاز<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۲۰۰). در آلمان نیز با وجود اعتراضات مردم این کشور برای حق داشتن ارتش، باز هم ارتش این کشور فاقد سلاح‌های سنگین است. موارد مذکور این بحث را به‌پیش کشیده که احتمالاً موفقیت‌های اقتصادی، سیاستمداران را به فکر کفایت در موفقیت انداخته و از مقوله‌ی مهم صلح غافل‌اند. این مهم حتی در کشورهای کوچکی همچون لبنان نیز قابل مشاهده است، چراکه تمرکز سیاست‌های کلان این کشور تنها به پیشرفت‌های اقتصادی معطوف بوده و عموماً از مسئله‌ی حق بر صلح غافل‌اند (کربنه<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۱: ۲۹۰). دوران پیش از انقلاب نیز با وجود تمرکز نظام شاهنشاهی بر مسئله قدرت نظامی، باز هم مسئله وابستگی ارتش به بیگانگان مورد توجه قرار نگرفته بود، چنانچه در اوایل جنگ تحمیلی و به علت قطع رابطه با ایالات متحده آمریکا، ارتش در ادامه جنگ مشکلات فراوانی داشت. ماحصل بحث اینکه نیاز است که توجه به مسئله امنیت در همه ابعاد آن در سیاست‌های کلان کشور جای داشته باشد.

#### ۴-۳-۲. تمرکز به عوامل خارجی

از دیدگاه سیاسی، تنها منافع تعیین‌کننده رویه اجرایی خواهد بود. بنابراین مسائل انسان‌دوستی

1. Balazs
2. Carbone

و اخلاق در اتخاذ تصمیمات سیاسی جایگاهی ندارد. هر چند که حقوق بین الملل سعی کرده که اقدامات سیاسی را محدود به اصول اخلاقی نماید و البته تا حدودی نیز موفق بوده است. بر این اساس در روابط با بیگانگان می‌بایست به این مسئله توجه نمود که منافع آن کشور بر منافع خودی برتری داشته و اگر ضربه به کشور برای آن‌ها منافع تلقی شود؛ در این مسیر گام بر خواهند داشت. این مهم در فقه اسلامی تحت قاعده «نفی فی سبیل» مورد بحث قرار گرفته و قانون‌گذار کشور در اصل ۱۵۳ قانون اساسی به آن تصریح کرده است. بنابراین یکی از ابزارهای تأمین صلح، دقت در روابط با بیگانگان به نحوی است که روزنه نفوذ آن‌ها در کشور فراهم نگردد.

### ۵. روش تحقیق

در این پژوهش با اتخاذ روش استدلالی و تحلیل توصیفی و با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و نیز با مطالعه متون فقهی و مقایسه‌ای آن با دیدگاه‌های علمای حقوق و مدنظر قرار دادن مواد قانون و آراء و تطبیق آن با اسناد بین‌المللی به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و با توصیف، تجزی و تحلیل آن‌ها به نتیجه‌گیری ابعاد مختلف موضوع پژوهش پرداخته شده است. روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای اسنادی، و روش گردآوری اطلاعات با استفاده از کتب، مجلات و نوشتارهای سایت‌های حقوقی و جمع‌آوری و بررسی آن‌ها و ابزار گردآوری اطلاعات از طریق فیش‌های مطالعاتی و کسب نظر اساتید دانشگاهی و عندالاقضاء حوزوی و نیز مراجع دخیل در امور فقهی و حقوقی می‌باشد، همچنین روش تجزیه و تحلیل و بررسی، به صورت تحلیلی-توصیفی است.

### ۶. یافته‌های پژوهش

از آنجاکه قانون‌گذاری یکی از نیازمندی‌های اجتماعی و سیاسی می‌باشد، بخشی از اهداف سیاسی در قالب نظام تقنینی قابلیت اجرا دارد. در واقع، می‌توان بیان داشت که قانون‌گذاری یکی از ابزارهای اجرای اهداف سیاسی است. در راستای تأمین حق بر صلح شهروندان، نیاز است قانون‌گذاری مرتبط انجام شود. گاه سیاست‌های کلان یک نظام و همچنین ساختار سیاسی آن در قالب قانون‌گذاری خود را نشان می‌دهد. در این قسمت، جنبه‌های تقنینی و سیاسی حق بر صلح حسب الگوی سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران بررسی شده است.

## ۱-۶. دکترین سیاسی

حکومت ولایت فقهی بر مبنای نظریات اسلامی بوده و کلیه اقدامات کلی و جزئی آن بر پایه فقه اسلامی (امامیه) می‌باشد. بنابراین، نظریات فقهی شکل‌دهنده اصول سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران بوده که در این قسمت به بحث در این خصوص پرداخته شده است. در تعالیم اسلامی، صلح جایگاهی ویژه داشته که نظر حقوق بشر اسلامی در خصوص صلح را تبیین می‌نماید. قرآن کریم در آیه‌ی ۴ سوره قریش می‌فرماید: «همان خدایی که به آن‌ها هنگام گرسنگی طعام داد و از ترس و خطرانشان ایمن ساخت.»<sup>۱</sup> از برخی روایات به دست می‌آید که این سوره در تعقیب سوره‌ی فیل بوده و آن دو را یک سوره دانسته‌اند. بر این اساس، مضمون کلی این دو سوره این است ما جریان شکست اصحاب فیل را پیش آوردیم تا قریشیان به حمایت و دفاع ما از شهر مکه و خانه خود مطمئن شوند و آنان که در پناه ما جای گرفته‌اند، احساس آرامش کنند و گردهم جمع شوند و زمستان و تابستان برای کار تجارت به یمن و شام کوچ کنند. آنان باید به پاس این نعمت، پروردگار این خانه را پرستش کنند. همان خدایی که زمینه‌ی شکوفایی اقتصادی آنان را فراهم ساخت و از گرسنگی نجاتشان داد و احساس ناامنی آنان را تبدیل به امنیت کرد (ابن اثیر، ۱۳۶۴ ه.ق: ۲۶). جریان بازدارندگی حکومت که با اقتدار نظامی به دست می‌آید از این مفهوم مستخرج است. باز قرآن کریم موضوع امنیت را به عنوان مَنّی بزرگ بر مؤمنان تحت ستم و آزار کافران یاد کرده و در آیه ۲۶ سوره انفال می‌فرماید: «و به یاد آرید زمانی که عده‌ی قلیلی بودید که شما را ضعیف و خوار در زمین (مکه) می‌شمردند و از مردم (مشرک) بر خود ترسان بودید که مبادا شما را (از روی زمین) برچینند، بعد از آن خدا شما را در پناه خود آورد و به یاری خود نیرومندی و نصرت به شما عطا کرد و از پاکیزه‌ترین (غنائم و) طعام‌ها روزی شما فرمود، باشد که شکر به جای آرید.»<sup>۲</sup> در این آیه، موضوع امنیت پیش از اقتصاد و امور معیشتی مطرح شده، ولی در سوره ایلاف امر معیشت پیش از آن آمده است. شاید بتوان گفت؛ اگر امنیت در حوزه‌ی مسائل داخلی منظور باشد، اقتصاد و اصلاح امر معیشت از پایه‌های امنیت داخلی و مقدم بر آن است؛ زیرا جرم و جنایت از صاحبان شکم‌های گرسنه، کاری دور

۱. الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ

۲. وَادْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَخَطَفَكُمْ الْإِنْسَانُ فَأَوَّكُمُ وَيَدْرُكُمْ بِبَصَرِهِ رَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

از انتظار نیست. اگر امنیت در حوزه تهدیدات خارجی مورد نظر باشد، وضعیت معیشت مردم، چندان در آن تعیین کننده نیست، بلکه وجود امنیت و نبود تهدید خارجی، تأمین کننده زمینه مساعد برای رشد و شکوفایی اقتصادی و مقدم بر آن است. بنابراین، رکن سوم حق بر صلح در اینجا مشخص است. حکومت می بایست باهدف حکمرانی، تمرکز قدرت داشته باشد و امنیت داخلی را برای همه شهروندان تأمین نماید (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ه.ق: ۱۲۶). قرآن کریم ناامنی را از عوامل امتحان مؤمنان دانسته و در آیه ۱۵۵ سوره بقره می فرماید: «والبته شما را به پاره ای از سختی ها چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازماییم، و صابران را بشارت و مژده بده»<sup>۱</sup>. برخی از مفسران مقصود از محنت ها و مصیبت های مذکور در آیه را در مورد مجاهدان دوره نخستین اسلام شمرده اند و آن را نوعی تمهید و آماده سازی برای آنان دانسته اند تا بر مصائب و سختی های جنگ و جهاد شکیبا باشند و سستی و ضعف از خود نشان ندهند. مرحوم طبرسی منشأ خوف را تصمیم مشرکان بر عداوت با مؤمنان ذکر کرده است، گرچه برخی دیگر آن را به طور عام معنا کرده اند.

یکی از شاخصه های حقوق بشری اسلامی، عدم اعتماد به دشمنان و عدم تسلیم در مقابل آنان است. این مفهوم از همین آیه دریافت شده و در تفسیر آن بیان گردیده که نباید ترس و خوف از ناامنی موجب شود به هر خواسته دشمن تن در داد، بلکه حکومت می بایست با افزایش اقتدار خود، برای اقدام دشمنان بازدارنده باشد (اردبیلی، ۹۸۹ ه.ق: ۱۸۵). رکن چهارم حق بر صلح از این آیات قابل استخراج است. در تفسیر این مهم می توان به جنگ ایران و عراق اشاره کرد. علت طولانی شدن جنگ، آن بود که ایران قصد داشت موقعیت نسبتاً برتری نسبت به عراق داشته باشد تا ضمانتی بر پایان دائمی جنگ باشد و این مهم محقق شد. در صورتی که جنگ در همان سال های ابتدایی پایان می یافت، ضمانتی برای پایان اشغال توسط عراق وجود نداشت. عملکرد جمهوری اسلامی ایران در آن جنگ هم اکنون قدرتی بازدارنده برای دشمنان کنونی می باشد.

در بحث دکترین حکومتی می توان چنین بیان داشت که جمهوری اسلامی ایران دکترین ولایت فقیه در خصوص حق بر صلح را سرلوحه سیاست های خود قرار داده و این در حالی است که در اکثر کشورهای عربی بر پایه آنچه در مقدمه قانون اساسی بیان شده است، به هیچ وجه

۱. وَلَتَبْلُوَنَكُمْ بِسَيِّئِ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالتَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ

حکومت مبتنی بر اسلام نیست. هر چند که اکثریت جمعیت کشورهای عربی را مسلمانان تشکیل می‌دهند، اما نظام سیاسی این کشورها کاملاً بر پایه دموکراسی غربی می‌باشد. بر این اساس، نخستین تفاوت حق بر صلح در جمهوری اسلامی ایران و جمهوری‌های عربی، پایه‌های اسلامی و غربی آن است.

بر اساس تعالیم بیان شده، جمهوری اسلامی ایران ضمن اتخاذ سیاست صلح طلبانه، برای پاسخ‌دهی به هرگونه تعارض دشمن آمادگی دارد. همین آمادگی خود عامل بازدارنده از وقوع جنگ است. با توجه به آنچه که در قرآن بیان داشته شده، جمهوری اسلامی در جهت تقویت قوای نظامی و امنیتی اقدامات فراوانی انجام داده که در جهت تأمین ارکان اول و چهارم حق بر صلح شهروندان بوده است.

## ۶-۲. ساختار سیاسی

شیوه‌ی تقسیم قدرت و اداره هر کشور توسط قانون اساسی مشخص می‌شود. در واقع ساختار سیاسی هر کشور بر حسب سیاست‌های خاص تدوین شده و جهت رسمیت قانونی می‌بایست به تأیید اکثریت شهروندان برسد. بر پایه‌ی نظام ولایت فقیه، در کشور ما احزاب و انجمن‌ها در چارچوب قوانین اسلام آزادی عمل دارند. در اصل ۲۶ قانون اساسی، ذکر شده که احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند؛ مشروط به این‌که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهور اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت.

حقوق دانان و سیاست‌مداران غربی بارها به این رویه کشورداری از ایران (اصل ۲۶ قانون اساسی) ایراد وارد کرده و خواهان آن هستند که به مانند دیگر کشورهای غربی و تابعان آن‌ها، احزاب در ایران از آزادی کامل برخوردار باشند. اما اصل مذکور هوشمندانه در چارچوب دکترین ولایت فقیه مصوب شده که لزوم نظارت رهبری عاقل و شایسته را توصیه کرده و اقدامات سیاسی را تحت نظارت ولی فقیه، مجاز می‌داند.

رویه کنونی جمهوری اسلامی در خصوص احزاب، حذف اختلافات بین آن‌ها بوده و قدرت اصلی را از مسائل سیاسی دور نگاه داشته است. همین مسئله، یکی از مهم‌ترین عوامل تمرکز

قدرت و تأمین امنیت داخلی بوده که در رکن سوم حق بر صلح نیز ذکر شده است. در وضعیت کنونی، تمرکز قدرت موجب شده که جریان رقابت‌های سیاسی در مسیر سالم قرار گیرد و بدین صورت امنیت سیاسی تأمین شود که خود رکن سوم حق بر صلح محسوب می‌شود. در صورت قدرت افزونی احزاب، زمینه همکاری کشورهای بیگانه با آنها بیشتر شده که می‌تواند کشور را به سمت عدم تمرکز قدرت میل دهد. در کشوری همچون لبنان، احزاب مسیحی با کشورهای غربی رابطه نزدیکی داشته که خود عاملی مهمی در برهم خوردن نظم سیاسی این کشور است. بنابراین می‌توان بیان داشت که محدودیت احزاب در ایران، زمینه برای تمرکز قدرت سیاسی را فراهم داشته که جاذبه‌های سیاسی-مذهبی کسب قدرت را محو خواهد نمود. این اقدام سیاسی-تقنینی کاملاً هوشمندانه محسوب می‌گردد.

#### ۳-۶. قانونمندی نیروهای امنیتی

در کشور ما نهادهای امنیتی متعددی وجود داشته که معمولاً دشمنان بنا به منافع خود به آن انتقاد وارد کرده‌اند. اما وجود چنین نهادهایی هدفی جز تأمین امنیت نداشته که خود بخشی از حق بر صلح است. مبحث دوم از قانون اساسی به ارتش و سپاه پاسداران اختصاص داشته و این دو نیروی مهم نظامی در قانون اساسی تعریف شده و مسئولیت‌های آنان نیز تشریح شده است. توجه قانون‌گذار به ذکر این نهادهای مهم در قانون اساسی نشان از توجه سیاستمداران جمهوری اسلامی ایران به اهمیت بنیه دفاعی دارد.

تجربیات حکومت‌داری نشان داده که نیروهای امنیتی اگر تحت تبعیت قانون قرار نگیرند، می‌توانند به قدرتی غیرقابل کنترل مبدل گردند که خود به نوعی امنیت سیاسی را به خطر می‌اندازد. بنابراین جمهوری اسلامی ایران در نخستین اقدام‌های تقنینی، با وجود نظریات مختلف در خصوص تأسیس سازمان‌های امنیتی، امور اطلاعاتی را زیر نظر ریاست جمهوری با عنوان وزارت اطلاعات قرار داد و برای تأسیس آن قانون تصویب نمود. نیروی انتظامی نیز در اوایل دهه هفتاد خورشیدی از ادغام سه نهاد شهربانی، ژاندارمری و کمیته انقلاب تأسیس شد و برای آن نیز قانون تصویب شد. این اقدامات دارای دو جنبه مثبت بود. اولاً، با قانونمندی نهادهای امنیتی، مانع از کژروی‌های آنان شده، سپس با تصریح شرح وظایف قانونی، آنان را نسبت به تمرکز بر اصل مسئولیت مجاب نموده که در نهایت موجب موفقیت‌هایی شده است.

ماده سوم قانون تأسیس نیروی انتظامی، هدف از تشکیل این نیروها را استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایشی عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چهارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران دانسته است

قانون تأسیس وزارت اطلاعات نیز به طور کلی کشف توطئه‌ها برخلاف امنیت کشور را از وظیفه‌ی این نهاد دانسته و نیروهای مسلح را نیز ملزم به همکاری و هماهنگی با این وزارتخانه دانسته است

ماده یکم اساسنامه سپاه پاسداران نیز چنین بیان می‌دارد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهادی است تحت فرماندهی عالی مقام رهبری که هدف آن نگهبانی از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمان‌های الهی و گسترش حاکمیت قانون خدا طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و تقویت کامل بنیه دفاعی جمهوری اسلامی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و آموزش نظامی و سازمان‌دهی نیروهای مردمی می‌باشد. ارتش جمهوری اسلامی نیز حسب عرف حقوق اساسی وظیفه حفاظت از مرزهای کشور را عهده‌دار است.

برای مثال ذکر شود که در جمهوری دموکراتیک لبنان، قانون تأسیس نیروهای امنیتی و انتظامی، به صورت یک قانون واحد مصوب شده است. همین مسئله موجب ضعف سازمان‌های امنیتی لبنان گردیده و در عمل قادر به رصد و کشف مسائل بر ضد امنیت خود نمی‌باشند. در وضعیت کنونی، حزب‌الله لبنان به عنوان سازمانی مستقل، تا حد زیادی مسئولیت‌های امنیتی در این کشور را عهده‌دار است (سندوال<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰: ۴۳۱).

مجموع بیانات فوق بدان معناست که از نظر حقوقی، ارگان‌های مختلف در ایران، ضمن الزام به همکاری و هماهنگی، مسئولیت تأمین امنیت را بر عهده داشته که همگی تحت یک فرماندهی قرار دارند. اهداف و دکترین این نهادها همگی بر تأمین امنیت تمرکز داشته که خود بخشی از حق بر صلح است. این نهادها تنها به حکم قانون فعالیت داشته و همگی در مقابل قانون برابرند. تعیین این چنین چارچوب حقوقی برای نیروهای امنیتی، گامی مهم در جهت تأمین حق بر صلح شهروندان است (مسائلی و ارفعی، ۱۳۷۳: ۱۴۷). اما نظام حقوقی لبنان چندان به



انسجام نیروهای امنیتی که وظیفه تأمین امنیت این کشور را دارند توجه نموده‌اند که خود عامل برهم زنده صلح شهروندان است. بنابراین تفکیک نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی و شرح وظایف آرمانی آنها در قالب منابع حقوقی، گامی در جهت تقویت آنها محسوب می‌گردد. عدم توجه تقنینی به آرمان‌های این نهادها، موجب ضعف عملکرد آنها و موازی‌کاری خواهد شد که نمونه آن در کشورهایی همچون لبنان و ژاپن دیده می‌شود (صندوال، ۲۰۲۰: ۴۳۳).

بنابراین می‌توان بیان داشت که ساختار نهادهای نظامی و امنیتی در کشور به صورت تفکیک‌شده تحت قانون قرار گرفته و برای مقابله با کژروی‌های آنان نیز تدابیری اندیشیده شده که در نهایت موجب تقویت قانونمند این نهادها گردیده و اثر آن تأمین حق بر صلح برای شهروندان بوده است.

#### ۴-۶. اعلام منشور حقوق شهروندی

منشور حقوق شهروندی نیز منبع حقوقی مهم در کشور است که بخش پایانی آن به حق بر صلح شهروندان اشاره دارد. به موجب ماده ۱۱۶ این منشور، حق شهروندان است که از سیاست خارجی شفاف و صلح‌طلبانه در چارچوب منافع و امنیت ملی، برخوردار باشند، دولت با رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت، برقراری، حفظ و ارتقای روابط و مناسبات پایدار با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را دنبال می‌کند و با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و روش‌های خردمندانه برای ترویج و تقویت گفت‌وگو، صلح، صیانت از حقوق بشر و کرامت انسان‌ها، مبارزه با خشونت و افراتی‌گری و دفاع از حقوق مظلومان تلاش می‌کند. این ماده حقوقی با بند ۱۶ اصل سوم، اصول یازدهم، یکصد و پنجاه دوم و یکصد و پنجاه چهارم قانون اساسی، قانون وظایف وزارت امور خارجه، مصوب ۱۳۶۴ و ماده ۲۱۰ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۹ همخوانی کامل دارد. به موجب ماده ۱۱۷، دولت برای حمایت از حقوق ایرانیان خارج از کشور و بهبود وجهه بین‌المللی ایران، برنامه‌ریزی و اقدام خواهد نمود. این ماده با اصل ۱۵۲ قانون اساسی همخوانی دارد.

به موجب ماده ۱۱۸ منشور، شهروندان حق دارند از امنیت، استقلال، وحدت، تمامیت ارضی و اقتدار ملی برخوردار باشند. این مهم در ماده ۲۱۰ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۹ و قانون وظایف وزارت امور خارجه مصوب ۱۳۶۴ نیز ذکر شده و منطبق بر رکن چهارم حق بر صلح می‌باشد.

در ماده ۱۱۹ منشور نیز ذکر شده که دولت موظف است با برنامه‌ریزی‌های لازم و تخصیص منابع کافی در جهت بازدارندگی راهبردی و ارتقای توانمندی دفاعی کشور اقدامات لازم به‌ویژه تجهیز و تقویت نیروهای مسلح را به عمل آورد. این مهم در بند (ج) اصل دوم قانون اساسی، بند ۱۱ اصل سوم قانون اساسی، اصل یک‌صد و چهل و سوم قانون اساسی، اصل یک‌صد و پنجاه قانون نیز ذکر شده است. این مسئله علاوه بر آن که رکن چهارم حق بر صلح را تأمین می‌نماید، رکن نخست را نیز پوشش داده است.

از بررسی حق بر صلح در منشور حقوق شهروندی می‌توان چنین استنباط کرد که تمامی ارکان چهارگانه حق بر صلح به رویه خاص، در منشور منعکس شده و با وجود آنکه این ارکان در ایران محقق گردیده، اما رویه و روش آن متفاوت بوده که آن‌هم متأثر از حقوق بشر اسلامی می‌باشد. تنها به عملکرد نیروی انتظامی در خصوص افزایش آمار جرم و جنایت طی سه سال اخیر انتقادهایی وارد است که از نظر جرم‌شناسی، این مسئله ریشه در تورم و افزایش جمعیت زیر خط فقر داشته و نیاز است در درازمدت برای حل اساسی این مشکلات، تصمیمات مقتضی اتخاذ گردد.

در واقع می‌توان نتیجه گرفت که صرف قانون‌گذاری در خصوص شاخص‌های چهارگانه حق بر صلح، نمی‌تواند برای تحقق آن‌ها کافی به نظر رسد و می‌بایست جزئیات خاص آن نیز در قانون تشریح شده و در سیاست‌های کشور جای گیرد. در جمهوری اسلامی ایران، این اصول کاملاً مشخص شده و قانون‌گذار با هوشمندی، اثر تفکیکی برخی موارد را در نظر گرفته و مانع از آغاز اختلاف‌افکنی به‌واسطه تفکیک شده است.

## ۶-۵. سیاست خارجی

چارچوب سیاست خارجی بسیاری از کشورها در قانون اساسی مشخص نشده و این کشورها در روابط خارجی، نزدیکی خاصی با برخی کشورهای غربی دارند. اصول سیاسی کشورهای هم‌چون امارات و قطر نیز بر پایه حقوق بشر غربی بنا شده است. کلیه این اقدامات بدون لحاظ مسائل امنیتی انجام شده که در نهایت به نفوذ غربیان در این کشور و دخالت در امورات آن انجامیده و خود یکی از عوامل ناامنی در این کشورهاست (فرد<sup>۱</sup> و هاریس<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱: ۲۰۰).

1. Fried
2. Harris

قانون‌گذار کشور ما فصل دهم قانون اساسی مشتمل بر چهار اصل را به اصول سیاست خارجی اختصاص داده است. بر اساس تفسیر موسع از چهار اصل مذکور، می‌توان بیان داشت که اصول حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شرح ذیل است:

۱- نفی هرگونه سلطه و اعلام استقلال کشور در مقابل بیگانگان، ۲- محافظت از منافع کشور در مقابل بیگانگان، ۳- ارتباط ویژه با مسلمانان جهان و ۴- پرهیز از تنش غیرضروری در مناسبات بین‌المللی.

بنابراین، دکترین ولایت فقیه ضمن احترام کامل به تمامی قدرت‌های جهان، سیاست نفی سلطه را در پیش داشته و در عین حال به رابطه با کشورهای اسلامی به طریقی ویژه می‌نگرد. منع هرگونه تعهد خارجی که حاصل آن تسلط بیگانگان بر منابع حیاتی کشور باشد (قاعده نفی فی سبیل) اقدامی مهم در جهت تمرکز سیاسی محسوب می‌گردد. در واقع حاکمیت کامل جمهوری اسلامی ایران در داخل مرزها، رکن تمرکز قدرت در داخل کشور بوده که شاخص سوم حق بر صلح است. بنابراین جمهوری اسلامی ایران، روابط خارجی خود را اولاً بر پایه احترام متقابل، دوماً بر پایه حفظ استقلال سیاسی خود قرار داده که کاملاً پسندیده است. در طول حیات ۴۳ ساله جمهوری اسلامی ایران، غربی‌ها که سیاست نفوذ در ایران را شکست خورده پنداشتند با عصبانیت وارد عمل شده و دست به تهدید جمهوری اسلامی ایران زدند که در نهایت با شکست روبرو گردیدند.

قانون اساسی لبنان هیچ قاعده‌ای را بر سیاست خارجی این کشور تعیین نکرده است. اما بر پایه نظریات سیاسی، حکومت این کشور، سیاست نزدیکی به غرب به خصوص فرانسه را در برنامه خود داشته و با توجه به نبود قاعده‌ای که محدودکننده سیاست خارجی باشد، موجب حضور وسیع فرانسه در کشور شده است (مسلورین<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰: ۱۷۷). اصول سیاست خارجی لبنان که تصمیم‌گیری آن بدون هیچ محدودیت حقوقی بر عهده رئیس‌جمهور لبنان قرار دارد، خود زمینه نفوذ بیگانگان به کشور است و در نهایت می‌تواند امنیت این کشور را خدشه‌دار کند (کتوب<sup>۲</sup> و آنتیپا<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰: ۵۲).

در کشور ما سیاست خارجی به‌عنوان جزئی مهم از سیاست‌های کلان، توسط مقام معظم

1. McLaurin
2. Kotob
3. Antippa

رهبری و با مشورت مجلس خبرگان تعیین می‌شود. قانون اساسی نیز بر مبنای اصول فقهی برخی چارچوب‌ها را بر آن تعیین کرده است. مجلس شورای اسلامی نیز حق تحقیق و تفحص در این باره را داشته و در نهایت این که هرگونه قرارداد با کشور خارجی می‌بایست به تصویب قوه مقننه برسد. این چارچوب سیاسی-تقنینی حسب اصول حقوق اساسی می‌تواند به نوعی زمینه نفوذ دشمنان به کشور را ببند. همان‌طور که بیان شد مجموعه اقدامات انجام شده در مسیر عمل به قاعده «نفی فی سبیل» بوده و همین امر موجب شده که امروزه کشورهای غربی هیچ روزنه نفوذی در ایران نبینند. برای مثال می‌توان بیان داشت که قرارداد ننگین کرسنت که با منفعت طلبی برخی سیاستمداران مصوب شد، با هوشیاری نهادهای نظارتی عقیم ماند. بنابراین ساختار سیاسی-حقوقی اساسی کشور را در مقابله بانفوذ دشمن می‌توان کامل دانست.

#### ۶-۶. سیاست دفاعی

در مقدمه قانون اساسی کشورمان آمده است که در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور توجه بر آن است که ایمان و مکتب، اساس و ضابطه باشد، بدین جهت ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در انطباق باهدف فوق شکل داده می‌شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها، بلکه با رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده‌دار خواهند بود (و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدوالله وعدوکم و آخرین من دونهم).

علاوه بر آن، قانون اساسی مبحث دوم را به ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اختصاص داده و بر لزوم حفظ امنیت کشور در مقابل تهاجم بیگانگان تأکید نموده است. مبتنی بر این مفاد قانونی، سیاست‌های دفاعی کشور شکل گرفت و کشور ما پس از تلاش‌های طاقت‌فرسا در طی چند دهه توانست که در صدر قدرت‌های موشکی، قدرت برتر دریایی، قدرت برتر پدافندی، قدرت برتر جنگ‌های نامنظم و چند پارامتر نظامی دیگر دست یابد. تنها در خصوص نیروی هوایی انتقادهایی وارد است که بازهم تولید چند جنگنده بومی، نشان از پیروی جمهوری اسلامی ایران از سیاست‌های دفاعی مستقل بوده است. اثر این سیاست، آنکه جمهوری اسلامی ایران در اوج قدرت توانسته، امنیت مرزهای خود را تأمین نماید.

سیاست‌های دفاعی کشورهای قدرتمندی همچون پاکستان و ترکیه تحت هیچ قانونی قرار

نداشته و برای آن چارچوب مشخصی وجود ندارد (هالپرین<sup>۱</sup> و اسپوری<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰: ۲۶۲). این مهم موجب وابستگی ارتش‌های این کشورها به غرب شده است.

سیاست توسعه مرزهای مجازی کشور در دوران جمهوری اسلامی ایران انجام شد که موجب تقویت قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران (رکن چهارم حق بر صلح) شد. این سیاست مورد انتقاد شخصیت‌های مختلف در داخل و خارج قرار گرفته و اکثراً به هزینه‌های این اقدامات انتقاد وارد می‌کنند. اما جهت توجیه این اقدام به ذکر دو نکته اکتفاء می‌شود.

### ۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در جمهوری اسلامی ایران، قاعده فقهی «نفی فی سبیل» علاوه بر آنکه در قوانین کشور به نوعی بیان شده، در اصول سیاست‌های داخلی و خارجی کشور جای گرفته و نظارت دائمی نظام ولایت بر آن است که هر اقدام دولت، موجب نفوذ بیگانگان به کشور نشود. بر این اساس، روابط خارجی و سیاست‌های دفاعی کشور به گونه‌ای تنظیم شده که بدون توسل به کشورهای بیگانه، اقتدار کشور در جهان به تثبیت رسیده و قدرت بازدارندگی کشور به جهانیان اثبات شود. نظام حقوق بشر غربی بیشتر بر پایه توافق جمعی استوار بوده که نظر جمع را حتی به فرض غلط بودن لازم‌الاجرا می‌داند. این رویه در کشوری همچون لبنان اجرا شد و گروه‌های مختلف لبنانی که روزگاری با یکدیگر در حال جنگ بودند، امروز برای آینده لبنان تصمیم‌گیری می‌نماید، غافل از این که این رویه حقوقی-سیاسی بیشتر موجب بروز اختلاف و همچنین نفوذ بیگانگان می‌شود. در کشور ما بر پایه نظام ولایت فقیه، سیاست‌های کلان تبیین شده و در بخش اجرا، هماهنگی خاصی قابل مشاهده است. اثر مستقیم این مهم آن است که جمهوری اسلامی ایران توانست بدون وابستگی به کشورهای بیگانه، به امنیت دفاعی دست یابد و جمهوری دموکراتیک لبنان با اجرای ناهماهنگ سیاست‌های اجرایی جزئی، زمینه‌ساز مبدل شدن به میدان جنگ‌های نیابتی شد. ارکان چهارگانه حق بر صلح در سایه سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران محقق شد. وجود منابع متعدد حقوقی در خصوص سازمانی نظامی و امنیتی در کشورمان نشان از توجه قانون‌گذار به تبیین چارچوب‌های کلی امنیت دارد و این مهم حتی در حقوق شهروندی

1. Halperin

2. Schori

نیز رعایت شده است. قانون اساسی نیز طی اصولی، حکومت جمهوری اسلامی را به تأمین امنیت برای شهروندان ملزم کرده تا بدین صورت حق بر صلح جایگاه حقوقی خود را دریابد. بر پایه مبانی فقهی ولایت فقیه، حق بر صلح، حق شهروندان بوده که حکومت وظیفه‌ی تأمین آن را عهده‌دار است. حکومت با اتخاذ سیاست‌های کلان در این مسیر گام برمی‌دارد که همگی می‌بایست هماهنگ با یکدیگر در جهت تأمین حق مذکور باشند. الگوی استقلال‌طلبی جمهوری اسلامی هر چند به ظاهر چالش‌برانگیز است، اما در عمل دولت مردان کشور را واداشته که ضمن عدم تبعیت نامشروع از کشورهای غربی، تقویت بنیه دفاعی را در سیاست‌های کلان کشور قرار داده و آن را در جای جای قوانین کشور منعکس کنند. اقدامات تقنینی نیز بخشی از سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران جهت تأمین حق بر صلح بوده است. در قدم نخست نیاز است که نخبگان کشور حسب وظیفه تفکیک‌شده و سپس تحت لوای قانون قرار گیرند. بنابراین، در چارچوبی مشخص، نیروهای امنیتی و نظامی در مسیر تأمین حق بر صلح تلاش کرده و موفقیت‌های چشمگیری بدست آوردند. در سایه‌ی نظارت بر عدم نفوذ بیگانگان به کشور حسب قاعده فقهی «نفی فی سبیل» اجرای این قوانین رضایت‌بخش بوده که در نهایت موجب تأمین ارکان چهارگانه حق بر صلح برای شهروندان شده است. اما تجربه اتخاذ سیاست نزدیکی به غرب باهدف پیشرفت‌های اقتصادی نشان داده که جنبه‌های سیاسی-تقنینی توجه به تقویت بنیه دفاعی کمتر بوده و ضمن باز گذاشتن روزه‌های نفوذ بیگانگان به کشور، در عمل اقتدار سیاسی که از ارکان حق بر صلح است، مخدوش گردد. ماحصل بحث اینکه سیاست کلی جمهوری اسلامی ایران که در راستای تأمین ارکان چهارگانه حق بر صلح می‌باشد تا حد زیادی موفق بوده که این اقدامات جنبه‌های سیاسی، تقنینی، نظارتی، دفاعی و امنیتی داشته و هماهنگی آن‌ها به خوبی نیز انجام شده است.

## منابع

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد جزری (۱۳۶۴ ه.ق). النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، قم: اسماعیلیة، جلد اول، چاپ چهارم.
۲. ابن بابویه قمی، شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین (۱۴۰۴ ه.ق). من لایحضره الفقیه، قم: جماعة المدرسین، جلد اول، چاپ دوم.
۳. اردبیلی، احمد بی محمد (۹۸۹ ه.ق). زبده البیان فی احکام قرآن، قم: آل بیت، جلد اول، چاپ اول.
۴. امینی نیا، عاطفه (۱۳۸۸). «جایگاه حق بر صلح در منشور ملل متحد با نگاهی به عملکرد شورای امنیت»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری ۶ (۱)، صص ۱۳۱-۱۵۹.
۵. نیکل، جیمز (۱۳۹۷)، ترجمه بهزاد زره داران، فلسفه حقوق بشر، تهران: میزان، ج ۱، چ ۱.
۶. پروین، خیرالله؛ تجلی، محمدرضا (۱۳۹۵). مبنا و منشأ بین الملل حقوق بشر و نظام حقوق بشر اسلامی، تهران: میزان، ج ۱، چ ۱.
۷. پروین، خیرالله؛ تجلی، محمدرضا (۱۳۹۷). مبنا و منشأ بین الملل حقوق بشر و اسلام، تهران: میزان، ج ۱، چ ۱.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۶). فرهنگ لغت، تهران: اسماعیلی، ج ۱، چ ۱۲.
۹. دهقانی فیروزآبادی، جلال؛ سلیمانی، فاطمه (۱۳۹۷). «یاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و هنجارسازی بین المللی»، فصلنامه سیاست خارجی ۳۲ (۴)، صص ۶۵-۹۰.
۱۰. سریع القلم، محمود (۱۳۸۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قابلیت و امکان تغییر ۱ (۱)، صص ۲۱-۴۰.
۱۱. طلایی، فرهاد؛ پورسعید، فرزانه (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر متقابل حقوق بشر و صلح بر یکدیگر»، دوفصلنامه بین المللی حقوق بشر ۸ (۲)، صص ۸۵-۱۲۲.
۱۲. علیخانی، حمید (۱۳۹۷). صلح و امنیت بین الملل، تهران: قانون یار، جلد اول، چاپ اول.
۱۳. عمید، حسن (۱۳۹۶). فرهنگ لغت، تهران: اسماعیلی، ج ۲، چ ۸.
۱۴. قزل بیگلو، مسلم؛ دهقان، فرشته؛ میر، مجتبی؛ بیدار، آرش؛ محمدی، سیامک (۱۳۹۵). مجموعه اسناد و معاهدات حقوق بشر، تهران: سمت، ج ۱، چ ۱.
۱۵. معین، محمد (۱۳۹۶). فرهنگ لغت، تهران: نشر ادب، ج ۱، چ ۱۶.

۱۶. وایس، نورمن و مارک توونسی، ژاک (۱۳۹۷). ترجمه: فاطمه میثمی و ارسطو صفری، مناسبات حقوق بشر و حقوق بین الملل، تهران، میزان، ج ۱، چ ۱.
۱۷. واعظی، محمود (۱۳۹۳) راهبرد سیاست خارجی برای ارتقای جایگاه جمهوری اسلامی ایران در شرایط جدید بین المللی، مجله حقوق بین الملل ۱ (۲) ۲۵-۵۵.
18. Aghaie, K. S. (2021). Islamic-Iranian nationalism and its implications for the study of political Islam and religious nationalism. In *Rethinking Iranian Nationalism and Modernity* (pp. 181-204). University of Texas Press.
19. Ayoob, M., & Lussier, D. N. (2020). *The Many Faces of Political Islam: Religion and Politics in Muslim Societies*. University of Michigan Press.
20. Balazs, C., Goddard, J. J., Chang, C., Zeise, L., & Faust, J. (2021). Monitoring the human right to water in California: development and implementation of a framework and data tool. *Water Policy*, 23(5), 1189-1210.
21. Carbone, K., Gilliland, A. J., Lewis, A., McKemish, S., & Rolan, G. (2021, March). Towards a Human Right in Recordkeeping and Archives. In *International Conference on Information* (pp. 285-300). Springer, Cham.
22. Carpenter, K., & Tsykarev, A. (2020). (Indigenous) Language as a Human Right. *UCLA J. Int'l L. Foreign Aff.*, 24, 49.
23. Cofone, I., & Turriago Betancourt, C. (2020). The Right to be Forgotten in Peace Processes. *The Right to be Forgotten: A Canadian and Comparative Perspective* (Routledge: London, 2020), 76-102.
24. Dastafkan, R., Salehi, H., & Hooshmand, M. M. (2020). Provision of Peace and Right to Health through Sanctions: Threats and Opportunities. *Archives of Iranian medicine*, 23(4Suppl1), S43-S48.
25. Hosseini, S. M., Hajizadeh, M., & Firozabadian, M. A. H. D. I. (2021). the capacities of Arbæen pilgrimage as an Islamic human right at peace building. *Jornal of Eslamic Human Rights*, 9(2), 275-292.



26. Muyskens, K. (2022). Avoiding cultural imperialism in the human right to health. *Asian Bioethics Review*, 14(1), 87-101.
27. Wilder, M. O., Martinez Austria, P. F., Hernandez Romero, P., & Cruz Ayala, M. B. (2020). The human right to water in Mexico: challenges and opportunities.

### منابع و اسناد حقوقی

۱. اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مصوب ۱۳۶۱.
۲. اعلامیه حقوق بشر، مصوب ۱۹۴۸.
۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸، بازنگری شده در سال ۱۳۶۸.
۴. قانون اساسی جمهوری دموکراتیک لبنان، مصوب ۱۹۹۰.
۵. قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، مصوب ۱۳۶۲.
۶. قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۹.